

## تعمیرات آسان

پدر محمود لوله‌کش ساختمان است و در کار خود مهارت زیادی دارد. محمود اغلب همراه پدرش برای انجام لوله‌کشی و یا تعمیرات، به محل کار او می‌رود. محمود سعی می‌کند که هم به پدر خود کمک کند و هم این حرفه را بیاموزد. به این ترتیب او کارهای زیادی از پدرش یاد گرفته است.

پدر محمود گاهی کارهای ساده‌ی لوله‌کشی را به عهده‌ی او می‌گذارد و خودش نیز به کار او نظارت می‌کند و در موقع لزوم او را راهنمایی می‌کند.

یک روز مادر محمود گفت: «آب در ظرف‌شویی آشپزخانه جمع شده و لوله‌های فاضلاب گرفته است.» پدر رو به محمود کرد و گفت: «پسر من تو می‌توانی آن را تعمیر کنی؟»

محمود با خوش‌حالی جواب داد: «البته پدرجان، من این کار را از شما یاد گرفته‌ام.» او ابتدا وسایل کارش را آماده نمود، سپس قفسه‌ی زیر ظرف‌شویی را خالی کرد. یک سطل زیر سیفون گذاشت و بعد، قطعات آن را باز کرد. محمود متوجه شد که داخل لوله‌ها به مرور زمان جرم گرفته و مسیر آب را بسته است.

لوله‌ها را با دقت تمیز کرد و دوباره سیفون را محکم سرجایش بست. بعد از تمام شدن کارش وسایل را جمع کرد و در جای مخصوص گذاشت، سپس محل کار را تمیز کرد.



وقتی مادر به آشپزخانه آمد و دید که محمود توانسته است از عهده ی انجام کارش به خوبی بر آید، خوشحال شد. او از محمود تشکر کرد و گفت: «پسرم، تو در آینده می توانی مانند پدرت در کار لوله کشی مهارت کسب کنی و مثل او یک لوله کش ماهر بشوی.»



در تصویرهای زیر، مراحل روغن کاری نشان داده شده است. برای هر تصویر، مانند نمونه، یک توضیح کوتاه بنویسید.



.....  
.....



لولای در صدای ناخوشایندی دارد و به سختی باز و بسته می‌شود.



.....  
.....



دانش آموزان عزیز، چنانچه در محیط مدرسه وسایلی هست که نیاز به تعمیرات ساده دارد، با نظارت مربی خود و رعایت نکات ایمنی ، آن‌ها را تعمیر کنید. - وسایل تعمیر شده را نام ببرید .

.....  
.....  
.....  
.....  
.....

- مراحل تعمیر یکی از وسایل را بنویسید.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

## قلک سعید

سعید در قلک خود مقداری پول پس انداز کرده بود و تصمیم داشت با آن پول یک ساعت مچی بخرد. او این تصمیم را با پدرش در میان گذاشت. پدر به او گفت: «فکر بسیار خوبی است. فردا باهم به ساعت فروشی می‌رویم و یک ساعت می‌خریم.»

روز بعد، آن‌ها به ساعت فروشی رفتند و سعید یک ساعت زیبا پسندید. آقای فروشنده گفت: «این ساعت علاوه بر این که زیباست، بسیار دقیق هم کار می‌کند.» وقتی سعید قیمت ساعت را پرسید، متوجه شد که قیمت آن بیش‌تر از پولی است که او پس انداز کرده است. آن‌ها با عذر خواهی از آقای فروشنده، مغازه را ترک کردند. سعید در راه برگشت به خانه

بسیار ناراحت بود و با خود فکرمی‌کرد که مدت زیادی طول خواهد کشید تا او بتواند بقیه‌ی پول ساعت را پس انداز کند.

در همین هنگام پدر به سعید گفت: «سعید جان، اگر موافق باشی من می‌توانم این پول را به تو قرض بدهم.»

سعید با خوشحالی گفت: «چه قدر عالی! ولی چه‌طور می‌توانم پول را به شما پس بدهم؟»

پدر پاسخ داد: «تو می‌توانی با پرداخت مبلغی از پول توجیبی خود این قرض را پس بدهی.»

سعید پیشنهاد پدر را پذیرفت و از او تشکر کرد. سپس آن‌ها به مغازه‌ی ساعت فروشی برگشتند و ساعتی را که انتخاب کرده بودند، خریدند.



- ۱- پس انداز کردن یعنی چه ؟
- ۲- چرا سعید با پس انداز خود نتوانست آن ساعت را بخرد؟
- ۳- پدر چگونه در خرید ساعت به سعید کمک کرد؟
- ۴- شما تصمیم دارید از پس انداز خود چگونه استفاده کنید ؟
- ۵- آیا می‌دانید مردم به جز قلک، پول خود را کجا پس انداز می‌کنند؟



دانش آموزان عزیز، هر کدام یک قلک به کلاس بیاورید و پول‌های خود را در آن پس انداز کنید. پس از یک ماه بنویسید که مبلغ آن چه قدر شده است؟ شما تصمیم دارید پس انداز خود را چگونه خرج کنید ؟

تاریخ شروع پس انداز من :

مقدار پس انداز من پس از یک ماه :

تصمیم من برای خرج کردن پس اندازم : .....

جمله های زیر را کامل کنید.

- من برای خرید وسایلی که دوست دارم ، قسمتی از پول توجیبی خود را .....
- اگر پولی را از کسی قرض بگیرم حتماً آن را .....
- من بدون اجازه‌ی ..... از کسی پول قرض نمی‌کنم.

فعالیت های تکمیلی



۱- به نظر شما علی با پس انداز خود کدام یک از توپ ها را می تواند بخرد ؟

.....  
 .....

۲- برای هر تصویر توضیح کوتاهی بنویسید.



.....  
.....



.....  
.....



.....  
.....



## پست

زمستان آن سال هوا بسیار سرد بود. مادر می‌خواست ژاکتی را که برای پسرش، مجید، بافته بود، به همراه چند کتاب به شهر همدان بفرستد؛ زیرا مجید در دانشگاه همدان مشغول به تحصیل بود.

مژگان از مادرش پرسید: «چگونه می‌توانیم ژاکت و کتاب‌ها را برای مجید بفرستیم؟»  
مادر جواب داد: «می‌توانیم این وسایل را از طریق پست برای او بفرستیم.»  
روز بعد، مژگان و پدرش، وسایل را در کیسه‌ای گذاشتند و به اداره‌ی پست رفتند. کارمند پست به مژگان یک کارتن داد. مژگان وسایل را داخل کارتن گذاشت و روی آن، نام و نشانی گیرنده و فرستنده و همچنین کدپستی را نوشت و سپس آن را تحویل داد.  
کارمند پست، پس از وزن کردن کارتن، در آن را چسباند و قبض هزینه‌ی پست را به آن‌ها داد.

مژگان با پرداخت آن مبلغ، قبض رسید را از مسئول صندوق دریافت کرد. روی قبض رسید، مشخصات بسته، نام و نشانی فرستنده و گیرنده و همچنین تاریخ و مبلغ هزینه‌ی پست نوشته شده بود.



بعد از خارج شدن از اداره‌ی پست ، پدر به مژگان گفت : «دخترم ، تا رسیدن بسته به برادرت باید این قبض را جای مناسبی نگه‌داری کنی تا گم نشود.»  
 مژگان پرسید : « چرا نگه‌داری قبض مهم است ؟ »  
 پدر پاسخ داد : « چون اگر بسته به مقصد نرسد ، ما می‌توانیم با نشان دادن این قبض علت نرسیدن آن را از اداره‌ی پست جویا شویم.»  
 مژگان با خود فکر کرد که از طریق پست ، کارها چه‌قدر آسان‌تر انجام می‌شود!

نمونه ۱۰۵ ج  
 نمونه ۳ الف، ۳ ب، F3 و ... سابق  
 هزینه‌ها

رسید پستی

شماره پست جمهوری اسلامی ایران

مشخصات فرسوله ۴۱۹۸۴

\* لطفاً به نوشته‌های پست این برگه توجه فرمائید.

کرایه پستی ریال <input type="text"/>	شماره ۲۳ / ۸۳ ۱۴۱۵۲۶
لفاف و سایر ریال <input type="text"/>	تاریخ ۱۳۸۵ / ۱۰ / ۲۵ ساعت قبول
جمع ریال <input type="text"/>	نوع فرسوله بسته پستی وزن گرم
مشخصات واحد قبول	نوع سرویس
نام واحد نام و نام خانوادگی متصدی	مبداء تهران فرستنده سحیلی
شماره ۴۱۹۸۴ / ۱۰ / ۲۵ مهر دفتر و امضاء	مقصد همان گیرنده مجید سحیلی
ریال <input type="text"/>	به عدد ۵۰۰ ریال
ریال <input type="text"/>	ارزش اظهار شده : به حروف
ریال <input type="text"/>	ارزش به SDR (ویژه امانت خارجه)

آیا می‌دانید که مبلغ هزینه‌ی پستی به چه چیزی بستگی دارد؟

وقتی بسته‌ای را پست می‌کنید، باید هزینه پردازید. میزان این هزینه به وزن بسته بستگی دارد.

هرچه وزن بسته سنگین‌تر باشد هزینه‌ی پست نیز بیش‌تر می‌شود. ما می‌توانیم نامه‌ها و بسته‌های خود را از طریق پست به تمام نقاط کشورمان و یا به کشورهای دیگر بفرستیم.



- ۱- وظیفه‌ی اداره‌ی پست چیست؟
- ۲- اگر بسته‌ی پستی به مقصد نرسد چه باید کرد؟
- ۳- چرا بسته‌های پستی را وزن می‌کنند؟
- ۴- مبلغ هزینه‌ی پستی به چه چیزهایی بستگی دارد؟



با گذاشتن علامت × در مقابل عبارت درست، جمله‌های زیر را کامل کنید.

- |                          |  |
|--------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> | از طریق پست، کارها ..... آسان‌تر انجام می‌شود              |
| <input type="checkbox"/> | سخت‌تر انجام می‌شود.                                       |
| <input type="checkbox"/> | منظور از «مقصد» روی بسته‌ی پستی ..... نشانی گیرنده است.    |
| <input type="checkbox"/> | نشانی فرستنده است.   |
| <input type="checkbox"/> | هرچه وزن بسته سنگین‌تر باشد. .... هزینه‌ی پست کمتر می‌شود. |
| <input type="checkbox"/> | هزینه‌ی پست بیش‌تر می‌شود.                                 |

با توجه به تصویرهای زیر، مراحل پست یک کالا را بنویسید.



..... - ۱

..... - ۲

..... - ۳

..... - ۴

به تصویر زیر توجه کنید و نشانی مبدأ و مقصد را در جای مناسب بنویسید.

..... شهر: ..... فرستنده: استان: .....

..... آدرس: .....

..... شماره تماس: ..... نام فرستنده: .....

..... کد پستی: .....

**الصاق تمبر**

وزن	کیلوگرم
شماره سفارش	
مبلغ بیمه	

..... شهر: ..... گیرنده: استان: .....

..... آدرس: .....

..... شماره تماس: ..... نام گیرنده: .....

..... کد پستی: .....

پست جمهوری اسلامی ایران

..... مبدأ (فرستنده):

..... مقصد (گیرنده):



دانش آموزان عزیز، همراه مربی خود به نزدیک‌ترین اداره‌ی پست بروید و یک بسته را به نشانی خودتان پست کنید. سپس با توجه به قبضی که دریافت کرده‌اید به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- نام فرستنده :
- نام گیرنده :
- وزن بسته :
- کد پستی :



## تحقیق کنید

چند نوع از خدماتی که در اداره‌ی پست انجام می‌شود، نام ببرید. سپس یک مورد آن را انتخاب کنید و مراحل آن را بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## شربت نذری

رضا، برادر مهدی، در یکی از جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مجروح شده بود. مادرشان نذر کرده بود که اگر رضا شفا بگیرد، روز عاشورا از عزاداران امام حسین (ع) با شربت پذیرایی کند.

پس از بهبودی رضا، مهدی و دوستش علی قرار گذاشتند که صبح روز عاشورا به مسجد بروند و بعد از شرکت در مراسم سینه‌زنی، با شربت از عزاداران پذیرایی کنند.

آن‌ها صبح روز عاشورا، شربت را در پارچ‌های بزرگی ریختند و به مسجد بردند. دسته‌های عزادار در خیابان‌ها به حرکت در آمده بودند. در ابتدای هر دسته یک نفر نوحه می‌خواند و چند نفر دیگر هم مشغول نواختن سنج و طبل بودند. دسته‌های عزادار هم به دنبال آن‌ها حرکت می‌کردند. وقتی عزاداران به مسجد رسیدند، علی و مهدی با ریختن شربت در لیوان‌های یک بار مصرف، از آن‌ها پذیرایی کردند. عزاداران نیز با گفتن «سلام بر حسین» یاد شهیدان کربلا را گرامی داشتند.

بعد از تمام شدن شربت، علی و مهدی به آشپزخانه‌ی مسجد رفتند و در پختن غذا به دیگران کمک کردند.

هنگام ظهر، با شنیدن صدای اذان، همگی به صف ایستادند و نماز را به جماعت خواندند تا ثواب بیش‌تری ببرند.

بعد از خواندن نماز، سفره‌های نهار پهن شد و عزاداران امام حسین (ع) مشغول خوردن نهار شدند. سپس، علی و مهدی با سایر دوستانشان، سفره‌ها را جمع کردند. در همین هنگام، امام جماعت مسجد به سوی آن‌ها آمد و ضمن تشکر از زحماتشان به آن‌ها گفت: «بچه‌ها، کاری که شما انجام دادید، ثواب زیادی دارد؛ چون شما علاوه بر شرکت در مجلس عزاداری امام حسین (ع)، از مردمی که به خاطر شهادت ایشان عزاداری می‌کردند پذیرایی کردید و خداوند اجر بزرگی را برای این کار قرار داده است.»



**در کلاس با دوستانتان گفت و گو کنید**



– شما در مراسم عزاداری امام حسین (ع) چگونه شرکت می‌کنید؟



فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱- روز عاشورا چه روزی است ؟
- ۲- مادر مهدی برای چه نذر کرده بود ؟
- ۳- چرا برای دادن شربت از لیوان یک بار مصرف استفاده می شود ؟
- ۴- چرا بهتر است نماز را اول وقت و به جماعت بخوانیم ؟



از مادر خود سؤال کنید که آیا تاکنون نذری داشته است؟ چگونه آن را به جا آورده است؟ آن‌ها را بنویسید و در کلاس بخوانید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



۱- چند نوع مراسم مذهبی نام ببرید و برای هر یک توضیح کوتاهی بنویسید.

--	--	--

۲- در محله‌ی شما کدام مراسم مذهبی برگزار می‌شود؟ آیا شما در آن مراسم شرکت می‌کنید؟  
گزارشی درباره‌ی آن بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

# فصل سوم



# مدرسه

